

تحلیل نقش ایمان در تحقق امنیت با تأکید بر آیه ۸۲ سوره انعام

نجمه عصاری تلک آبادی^۱

چکیده

امنیت به عنوان یکی از بنیادی ترین نیازهای انسانی، همواره در مرکز توجه اندیشه های دینی و اجتماعی قرار داشته است. قرآن کریم امنیت را نعمتی الهی معرفی کرده و آن را نتیجه ایمان خالص می داند. آیه ۸۲ سوره انعام به صراحت بیان می کند که تنها کسانی که ایمان خود را با ظلم و شرک نیالوده اند، به امنیت و هدایت دست می یابند. هدف پژوهش حاضر تبیین نقش ایمان در تحقق امنیت فردی، اجتماعی، معنوی و اخروی با تأکید بر این آیه است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر گردآوری داده ها از منابع تفسیری، روایی و مطالعات مرتبط بوده است. یافته ها نشان می دهد که ایمان در بعد فردی موجب آرامش روانی و رهایی از اضطراب، در بعد اجتماعی عامل تقویت اعتماد، مسئولیت پذیری و کاهش آسیب های اجتماعی، در بعد معنوی منشأ اطمینان قلبی و قرب الهی، و در بعد اخروی سبب ایمنی از عذاب و دستیابی به سعادت جاویدان است. همچنین روشن شد که شرط تحقق این آثار، خلوص ایمان از هرگونه ظلم و گناه به ویژه شرک است؛ زیرا ظلم همچون پرده ای آثار امنیت بخش ایمان را می پوشاند. نتیجه گیری تحقیق آن است که ایمان ناب، بنیادی ترین عنصر در تحقق امنیت پایدار در ابعاد گوناگون حیات انسانی است و توجه به این اصل قرآنی می تواند راهکاری مؤثر در تقویت بنیان های امنیت فردی و اجتماعی در جوامع معاصر باشد.

واژگان کلیدی: ایمان، امنیت، آیه ۸۲ سوره انعام، قرآن

^۱ طلبه سطح ۲، حوزه علمیه خواهران مرکز آموزش غیرحضورى.

مقدمه

امنیت یکی از بنیادی‌ترین نیازهای فردی و اجتماعی انسان است که فقدان آن، آرامش روانی، سلامت معنوی و استواری روابط اجتماعی را تهدید می‌کند. قرآن کریم امنیت را نعمتی الهی معرفی می‌کند که تحقق آن وابسته به ایمان خالص و توحیدی است. در میان آیات قرآن، آیه ۸۲ سوره انعام جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا به صراحت بیان می‌دارد که تنها کسانی که ایمان آورده و ایمانشان را با ظلم و شرک نیالوده‌اند، به امنیت و هدایت دست می‌یابند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ». این آیه، رابطه‌ای مستقیم میان ایمان ناب و تحقق امنیت معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که ایمان نه تنها در عرصه فردی، بلکه در عرصه اجتماعی و حتی اخروی، سرچشمه اصلی آرامش و ایمنی است.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که هر یک از تحقیقات پیشین به بخشی از پیوند میان ایمان و امنیت پرداخته‌اند؛ به عنوان نمونه، متفکر و اسمعیلی (۱۴۰۳) نقش ایمان و دین‌مداری را در تحقق امنیت اجتماعی تحلیل کرده‌اند، اما تمرکز ویژه‌ای بر آیه ۸۲ سوره انعام نداشته‌اند. همچنین، شاهنده (۱۳۹۸) با رویکردی تفسیری به معنای «ظلم» در آیه ۸۲ سوره انعام پرداخته و با نقد حدیث‌سالاری، تلاش کرده است گستره مفهومی این واژه را تبیین نماید، بی‌آنکه کارکردهای امنیت‌بخش ایمان در ابعاد فردی و اجتماعی را به‌طور مستقل بررسی کند. از سوی دیگر، غریاق‌زندی (۱۳۸۹) با طرح مفهوم امنیت ایمانی در قرآن کریم کوشیده است چارچوبی کلان برای تبیین امنیت از منظر قرآن و فلسفه وجودی انسان ارائه دهد، در حالی که بحث او ناظر به آیه یادشده نیست و بیشتر جنبه نظری و تطبیقی دارد. در مقابل، پژوهش حاضر به‌طور خاص بر آیه ۸۲ سوره انعام متمرکز است و تلاش می‌کند با رویکردی جامع، نقش ایمان خالص در تحقق امنیت فردی، اجتماعی، معنوی و اخروی را تبیین کند.

مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که ایمان چگونه می‌تواند زمینه‌ساز تحقق امنیت در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و معنوی باشد؟ پرسش محوری این تحقیق نیز آن است که آیه ۸۲ سوره انعام چه جایگاهی در تبیین رابطه ایمان و امنیت دارد؟

هدف مقاله آن است که با تکیه بر تفسیر آیه شریفه و بهره‌گیری از منابع تفسیری و روایی، نقش ایمان در تحقق امنیت فردی، اجتماعی، معنوی و اخروی بررسی شود. این پژوهش در پی آن است که نشان دهد ایمان، علاوه بر

تأمین آرامش روانی و معنوی فرد، می‌تواند بستر اعتماد، عدالت و مسئولیت‌پذیری را در جامعه تقویت کرده و از این رهگذر، امنیت پایدار اجتماعی را پدید آورد. اهمیت این بررسی از آن جهت است که ایمان به‌عنوان رکن اصلی نظام فکری و اخلاقی اسلام، می‌تواند راهکاری بنیادین برای رفع بحران‌های امنیتی و معنوی در جوامع معاصر ارائه دهد.

ساختار مقاله به این ترتیب سامان یافته است: در آغاز، آیه ۸۲ سوره انعام و شأن نزول آن معرفی می‌شود. سپس به مفهوم‌شناسی «ایمان» و «امنیت» پرداخته خواهد شد. در ادامه، نقش ایمان در تحقق امنیت فردی، اجتماعی، معنوی و اخروی مورد بحث قرار می‌گیرد و در پایان، نتایج حاصل از تحلیل‌ها جمع‌بندی می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. ایمان

واژه «ایمان» از ریشه «أَمَن» گرفته شده که به معنای آرامش، اطمینان، تصدیق و ایمنی است. در لغت، ایمان به معنای تصدیق قلبی و اطمینان یافتن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۳). گاهی نیز ایمان به معنای در امان بودن از خوف و اضطراب به کار رفته است.

ریشه «أَمَن» در ثلاثی مجرد به شکل‌های مختلف به کار می‌رود:

«أَمَن» به معنای طمأنینه و آرامش نفس.

«أَمَان» اسمی است برای حالی که انسان در امنیت باشد.

«أَمَانَه» اسمی است برای چیزی که انسان بر آن ایمن می‌شود.

در ثلاثی مزید، مصدر «ایمان» گاهی متعدی است و به معنای اعطای امنیت و ایمن گردانیدن و گاهی لازم است و به معنای امنیت یافتن به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۱-۹۰). بنابراین، «أَمَن» در ثلاثی مجرد به معنای امنیت و آرامش و در ثلاثی مزید به معنای اعطای امنیت و آرامش است.

ایمان در اصطلاح دینی، ایمان به معنای اعتقاد قلبی به اصول اعتقادی، اقرار زبانی، و عمل به لوازم آن در رفتار است. علامه طباطبایی ایمان را «تصدیق قلبی و التزام عملی» می‌داند، نه صرف دانستن و گفتن (طباطبایی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۰).

برخی متکلمان (اشاعره) ایمان را صرفاً تصدیق قلبی می‌دانند، اما امامیه علاوه بر تصدیق، عمل را نیز جزء حقیقت ایمان می‌شمرند (مظفر، ۱۴۰۴ق، ص ۵۲).

در روایات، ایمان دارای مراتب معرفی شده است. از جمله، امام صادق (ع) می‌فرماید:

«الْإِيْمَانُ عَمَلٌ كُلُّهُ»؛ ایمان همه‌اش عمل است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۸).

۱.۲. امنیت

لغت امنیت از ریشه «أمن» در اصل آرامش خاطر و آرامش نفس و از بین رفتن بیم و هراس است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰۵)

امنیت در اصطلاح، حالتی است که در آن فرد یا جامعه از هرگونه تهدید و آسیب، چه مادی و چه معنوی، محفوظ باشد و بتواند با آرامش و آسودگی به زندگی و فعالیت بپردازد. امنیت گاهی نامی برای حالت امنیتی است که انسان در آن قرار دارد و گاهی نامی برای چیزی است که انسان در آن احساس امنیت می‌کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۰) امنیت در قرآن علاوه بر جنبه فیزیکی، جنبه‌های روانی و معنوی نیز دارد. به گونه‌ای که امنیت واقعی شامل آرامش قلبی، دوری از اضطراب و اطمینان به حمایت خداوند است (انعام: ۸۲). آیه مذکور به این نکته اشاره دارد که ایمان به علم و حضور خداوند، موجب امنیت روانی و درونی می‌شود و زمینه‌ساز امنیت اجتماعی نیز می‌گردد.

۲. معرفی اجمالی آیه ۸۲ سوره انعام

آیه ۸۲ سوره انعام چنین می‌فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ»

ترجمه: «کسانی که ایمان آوردند و ایمان خود را با ظلم و ناپاکی آمیخته نکردند، برای آنان امنیت است و ایشان هدایت یافتگانند.»

این آیه در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل گردیده است. (طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۴۲۱).

آیه در جریان مناظره پیامبر ابراهیم (ع) با مشرکین درباره بت پرستی و ربوبیت خداوند نازل شده است. ابراهیم (ع) از مشرکین پرسید: «کدام یک از من و شما سزاوارتر به امنیت و نترسیدن هستند؟» پاسخ روشن و بدیهی بود و خود ابراهیم آن را بیان می کند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۷۸).

نکته اساسی آیه آن است که امنیت و هدایت واقعی از ویژگی های ایمان خالص است، مشروط بر اینکه این ایمان با ظلم و گناه، به ویژه شرک، آمیخته نشده باشد. تفسیر آیه نشان می دهد که مخاطب اصلی آیه مؤمنان هستند و اثر ایمان خالص در ایجاد آرامش درونی، امنیت فردی و هدایت الهی را بیان می کند. مفسران واژه «ظلم» را عمدتاً به معنای شرک می دانند، چرا که شرک بزرگترین ستم به حق الهی است (لقمان: ۱۳). در روایتی از ابن مسعود نیز مشخص شده که مراد از «ظلم» در این آیه، گناهان فردی نیست، بلکه شرک است. با این حال، مفهوم «ظلم» در قرآن گسترده تر است و می تواند شامل بی عدالتی فردی، اجتماعی، تجاوز، جنایت و مفساد اجتماعی نیز شود. این انواع ظلم موجب ناامنی فردی و اجتماعی می شوند، زیرا امنیت حقیقی و آرامش روحی تنها در جامعه ای تحقق می یابد که ایمان و عدالت اجتماعی حاکم باشد. هنگامی که ظلم جایگزین عدالت شود، امنیت فردی، اجتماعی و آرامش درونی انسان از بین می رود. افزون بر این، ظلم اثر باطنی نیز دارد؛ زیرا ارتکاب ستم موجب سلب آرامش روانی و ناراحتی وجدان می شود. «ظلم» در آیه ۸۲ هم به معنای شرک اعتقادی و هم هرگونه بی عدالتی فردی و اجتماعی است، و امنیت و هدایت تنها در پرتو ایمان خالص و پاک از ظلم تحقق می یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۲۰).

ایمان اگر خالص باشد، «امن» و «اهتداء» را به همراه دارد؛ یعنی مؤمن از شقاوت و بدبختی نجات می یابد و در مسیر هدایت قرار می گیرد. در مقابل، اگر ایمان با ظلم یا شرک آمیخته شود، اثر کامل خود را در ایجاد امنیت و هدایت ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۷۸)

۳. نقش ایمان در تحقق امنیت فردی

واژه «ایمان» در اصل از ریشه «أمن» گرفته شده که دلالت بر آرامش، اطمینان و تصدیق دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷). آیه شریفه با تعبیر «أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» نشان می‌دهد که امنیت فردی با هدایت الهی پیوند دارد. فردی که ایمانش آلوده به ظلم نباشد، از شقاوت و انحراف مصون می‌ماند «ظلم» در این آیه طبق نظر بیشتر مفسران، به‌ویژه طبری و علامه طباطبایی، به معنای شرک است؛ چراکه بزرگ‌ترین ظلم نسبت به حق الهی، شریک‌تراشی برای خداوند است و آثار ایمان را باطل می‌کند و انسان را دچار ناامنی و عذاب می‌سازد. در مقابل، مؤمن خالص از ناامنی‌های ناشی از گناه، اضطراب شخصی و سقوط اخلاقی در امان خواهد بود. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۷۰؛ طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۵۴۴).

بنابراین شرط دستیابی به امنیت واقعی، خلوص ایمان از هرگونه آلودگی اعتقادی و رفتاری است. واژه «يَلْبِسُوا» در آیه «وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» از ریشه لغوی «لبس» گرفته شده و به معنای «پوشاندن» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۳۵). در آیه، این واژه به صورت استعاری به کار رفته و نشان می‌دهد که ظلم مانند پرده‌ای عمل می‌کند که جلوی ظهور و بروز آثار حقیقی ایمان را می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۷۸). به عبارت دیگر، ظلم اصل ایمان را باطل نمی‌کند، زیرا ایمان جزء فطرت انسان و غیرقابل بطلان است، بلکه موجب پوشیده شدن اثرات مثبت و مطلوب آن می‌شود؛ یعنی امنیت و هدایت ناشی از ایمان زمانی تحقق می‌یابد که ایمان با ظلم آلوده نشده باشد (همان، ص ۲۷۹). این شرط، محدود به ظلم‌های خاصی است که باعث مخفی شدن اثر ایمان می‌شوند و ظلم‌های کوچک یا غیرعمد، مانند فراموشی یا اشتباه، تأثیری بر بروز آثار ایمان ندارند (همان، ص ۲۸۰). بنابراین، عبارت «وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» بیانگر این است که تحقق کامل آثار ایمان، از جمله امنیت و هدایت، مشروط به دوری از ظلم است و ایمان تنها زمانی می‌تواند اثر خود را در زندگی و آخرت نشان دهد که از هرگونه ظلمی که مانع ظهور آن شود، دور باشد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۸۱).

۳.۱ ایمان و ایجاد آرامش روانی

تعبیر «لَهُمُ الْأَمْنُ» در آیه ۸۲ سوره انعام به معنای آرامش و اطمینان قلبی است. ایمان ناب، وقتی از آلودگی شرک و گناه مصون باشد، آثار خود را در وجود انسان ظاهر کرده و موجب سکینه، اطمینان خاطر و رهایی از اضطراب

و خوف می‌گردد. مهم‌ترین مانع آرامش روانی، ظلم به نفس و پوشاندن ایمان فطری است؛ اگر انسان ایمان خود را سالم نگاه دارد، از خوف و اضطراب درونی ایمن می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۷۰). این سطح از امنیت، اساس آرامش درونی و سلامت روان مؤمن را تشکیل می‌دهد.

حضرت ابراهیم (ع) نمونه بارز این امنیت است؛ او با ایمان راستین به یگانگی خداوند، هیچ هراسی از غیر خدا ندارد، زیرا تنها خداوند دارای قدرت مطلق است و هیچ قدرت دیگری توان آسیب رساندن به او را ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۹۸).

ایمان به خداوند موجب احساس امنیت و آرامش درونی می‌شود؛ مؤمن به حمایت و نظر الهی امیدوار است و در عبادات و اعمال صالح خود حضور خدا را همراه خود احساس می‌کند، که این حضور ضامن استقرار امنیت و آرامش در نفس اوست (نجاتی، ۱۳۶۷، ص ۳۳۸). این امنیت تنها زمانی کامل می‌شود که ایمان از هرگونه ظلم یا شرک مصون باشد، همان‌طور که آیه شریفه «وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» تأکید می‌کند. هدایت الهی نیز نقش مکمل دارد؛ ایمان بدون هدایت، مسیر رشد و تحقق امنیت فردی را کامل نمی‌سازد. هدایت الهی موجب می‌شود مؤمن در صراط مستقیم قرار گیرد، تصمیماتش مطابق فطرت و حکمت خدا باشد و از آسیب‌ها و خطرات معنوی و اخلاقی در امان بماند. بنابراین، ترکیب ایمان و هدایت الهی پایه تحقق امنیت فردی، آرامش نفس و دوری از هراس‌های دنیوی و آخروی است.

در حدیث نبوی آمده است: « مَنْ أَصْبَحَ آمِنًا فِي سَرَبِهِ مُعَافًى فِي بَدَنِهِ وَ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ فَإِنَّمَا حِيزَتْ لَهُ الدُّنْيَا بِحَذَائِفِرِهَا؛ هر کس صبح را در حالی آغاز کند که در جان خویش ایمن، در بدن سالم و روزی روزانه‌اش فراهم باشد، گویا همه دنیا برایش جمع شده است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۹، ص ۶۹). این حدیث رابطه مستقیم امنیت و ایمان عملی را روشن می‌سازد.

این آموزه‌ها نشان می‌دهند که ایمان، نخستین عامل ایجاد امنیت روانی و آرامش قلبی است.

۳.۲. ایمان و پاکی از ظلم و گناه

ایمان زمانی به امنیت حقیقی منتهی می‌شود که از هرگونه آلودگی به ظلم و گناه پاک باشد. آیه ۸۲ سوره انعام تصریح می‌کند که «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»، و این نکته را بیان می‌دارد که تنها ایمان خالص، امنیت و هدایت به همراه دارد. مفسران، ظلم در این آیه را بیش از هر چیز به معنای شرک دانسته‌اند و آیه «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳) را شاهد آورده‌اند. با این حال، گستره معنایی ظلم فراتر از شرک بوده و شامل انواع گناه و ستم نیز می‌شود. از منظر فردی، ایمان پاک از ظلم، آرامش روانی و امنیت روحی را برای مؤمن به ارمغان می‌آورد و او را از اضطراب‌های ناشی از گناه و بی‌عدالتی در امان می‌دارد. از منظر اجتماعی نیز، هنگامی که ایمان به خداوند با عدالت همراه باشد، امنیت پایدار برقرار می‌شود؛ اما تزلزل در ایمان یا جایگزینی عدالت با ظلم، جامعه را در ناامنی فرو می‌برد. روایات معصومان نیز بر این معنا تأکید کرده‌اند؛ چنان‌که پیامبر اکرم (ص) مراد از ظلم را شرک دانسته و امام صادق (ع) بر نقش پاکی ایمان از آمیختگی با ولایت‌های باطل در تحقق امنیت الهی تصریح کرده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۱۹) بنابراین، ایمان خالص و پیراسته از ظلم، سرچشمه امنیت فردی و اجتماعی به شمار می‌آید.

۳.۳. ایمان و هدایت‌پذیری

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۸۲ سوره انعام تأکید می‌کند که ایمان خالص (ایمانی که با ظلم و به‌ویژه شرک پوشانده نشده باشد) به دو ثمره بنیادین منجر می‌شود:

۱. امنیت (لَهُمُ الْأَمْنُ): آرامش، ایمنی از عذاب و رهایی از ترس و اضطراب.

۲. هدایت (وَهُمْ مُهْتَدُونَ): یافتن راه درست و مصون ماندن از گمراهی.

به‌گفته ایشان، ایمان در ذات خود نوری است که راه را به انسان نشان می‌دهد، اما اگر با ظلم (اعم از شرک، گناهان بزرگ یا انحرافات اخلاقی) درآمیزد، اثر هدایت‌گری‌اش را از دست می‌دهد. بنابراین:

هدایت الهی نتیجه طبیعی ایمان خالص است، زیرا ظلم مانند پرده‌ای مانع ظهور نور ایمان می‌شود. هرچه تقوای فرد و شناخت او از خداوند بیشتر باشد، از مراتب بیشتری از ظلم فاصله می‌گیرد و به همان نسبت هدایت و

روشن‌بینی بیشتری را تجربه می‌کند. در نگاه علامه، مراتب هدایت با مراتب ایمان تناسب دارد؛ یعنی مؤمن خالص‌تر، هدایت‌یافته‌تر است. علامه همچنین توضیح می‌دهد که ایمان واقعی نه‌تنها با ترک شرک، بلکه با دوری از گناهان و حتی با پاک‌سازی قلب از انحرافات اخلاقی، آثار هدایت‌بخش خود را بروز می‌دهد. بدین ترتیب، آیه شریفه نشان می‌دهد که امنیت و هدایت در انحصار مؤمنانی است که ایمانشان با ظلم پوشیده نشده است. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۷۸)

۴. نقش ایمان در تحقق امنیت اجتماعی

در آیه ۸۲ سوره انعام، خداوند «ایمان خالص» را شرط برخورداری از «امنیت» معرفی کرده است. امنیت در معنای گسترده قرآن، هم آرامش فردی و هم آسایش اجتماعی را شامل می‌شود. چنان‌که علامه طباطبایی تصریح می‌کند، مقصود از «امن» تنها امنیت درونی نیست، بلکه امنیتی فراگیر است که جامعه مؤمنان را نیز در بر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۷۱).

«امن» در آیه، به امنیت اجتماعی نیز سرایت می‌کند. هرچند مراد اصلی آیه، امنیت حقیقی و معنوی است، اما آثار آن در زندگی اجتماعی نیز آشکار می‌گردد. وقتی ظلم و شرک در جامعه‌ای وجود نداشته باشد، روابط انسانی بر اساس عدالت، صداقت و وفای به عهد شکل می‌گیرد. علامه طباطبایی تصریح می‌کند که ظلم در نگاه عرفی همان تعدی به حقوق دیگران است، که مهم‌ترین عامل ناامنی در اجتماع محسوب می‌شود. ایمان خالص افراد، ضامن رفع ظلم و ایجاد فضای اعتماد و عدالت اجتماعی است. بدین ترتیب، امنیت اجتماعی نتیجه طبیعی ایمان جمعی است که افراد را از تهدیدها و آسیب‌های اجتماعی محفوظ می‌دارد.

۴.۱. ایمان و تقویت صداقت و اعتماد اجتماعی

بر اساس آیه ۸۲ سوره انعام، تنها کسانی می‌توانند از امنیت و هدایت بهره‌مند شوند که ایمانشان با ظلم، به‌ویژه شرک و گناهان بزرگ، آلوده نشده باشد. این امنیت و هدایت نه‌تنها در زندگی فردی، بلکه در روابط اجتماعی نیز آشکار می‌شود، زیرا انسان هدایت‌یافته، رفتاری مطابق با عدالت و صداقت دارد و از ستم به دیگران پرهیز می‌کند. ظلم هرگونه خروج از اعتدال و بی‌عدالتی در برابر خدا، خود یا دیگران است و اگر ایمان با ظلم پوشیده شود،

اعتماد اجتماعی آسیب می‌بیند، زیرا در جامعه‌ای که اعضایش به ظلم آلوده باشند، دروغ، فریب، خیانت و بی‌اعتمادی رشد می‌کند. ایمان راستین، که بر توحید و پرهیز از ظلم استوار است، فرد را به صداقت در گفتار و درستکاری در رفتار رهنمون می‌سازد و از تعدی به دیگران باز می‌دارد. این صداقت و درستکاری در سطح اجتماعی به شکل اعتماد عمومی ظهور می‌کند و اعتماد متقابل، پایه اصلی امنیت اجتماعی را مستحکم می‌سازد. علاوه بر این، ایمان نخست امنیت درونی ایجاد می‌کند و این امنیت درونی، انسان را از ترس و اضطراب آزاد ساخته و رفتار او را در جامعه صادقانه و شفاف می‌سازد. از این رو، در نگاه علامه طباطبایی، ایمان خالص و بدون ظلم، هم موجب هدایت فردی و هم تقویت صداقت و اعتماد اجتماعی است و از این طریق، سلامت و امنیت جامعه تأمین می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۷۱).

۴.۲. ایمان و احساس مسئولیت

ایمان اصلی‌ترین عاملی است که احساس مسئولیت انسان نسبت به دیگران را تقویت می‌کند، زیرا نظام حقوقی اسلام بر مبنای تکلیف استوار است. وقتی فردی ایمان به خدا و دین او می‌آورد، مجموعه‌ای از تکالیف و مسئولیت‌ها بر دوش او قرار می‌گیرد. در متون دینی، وقتی سخن از حقوق انسان‌ها به میان می‌آید، منظور حقوقی است که دیگران بر ما دارند؛ به عبارت دیگر، مسئولیتی که ما در قبال دیگران بر عهده داریم. هرچند این حقوق طرفینی است و ما نیز در مقابل دیگران حقوقی داریم، اما دین اسلام به دلیل بعد تربیتی و هدایت، بیشتر بر وظیفه و تکلیف فرد تمرکز دارد.

امام سجاده (ع) می‌فرماید: «بدان که خدای عزوجل بر تو حقوقی دارد که در هر جنبشی که انجام می‌دهی، هر آرامشی که داری، هر حالتی که در آن هستی، یا هر منزلی که در آن فرود می‌آیی، و یا هر عضوی که حرکت می‌دهی و هر ابزاری که در آن تصرف می‌کنی، این حقوق اطراف تو را فرا گرفته است» (ابن بابویه، ۱۴۱۶، ص ۶۷۴). منظور این است که حقوق دیگران بر ما احاطه دارند و ما موظفیم از آنها مراقبت کنیم، نه صرفاً حقوق خود را بر دیگران تحمیل کنیم. بدین ترتیب، ایمان باعث افزایش احساس مسئولیت درونی می‌شود و انسان با ایمان همواره یک «پلیس معنوی» را در درون خود حاضر می‌بیند. در خلوت و تنهایی، همانند زمانی که در منظر دیگران است، از انجام تعهدات و مسئولیت‌های خود کوتاهی نمی‌کند و همواره خدا را شاهد بر اعمال خویش می‌داند.

کسی که ایمان ضعیفی دارد، به همان نسبت احساس مسئولیت کمتری خواهد داشت. (رضوی مظاهر، مغیثی نیا، ۱۴۰۲، ص ۷۵)

۴.۳. ایمان و کنترل آسیب‌های اجتماعی

ایمان و باورهای دینی نقش محوری در کاهش آسیب‌های اجتماعی دارند. در علم جامعه‌شناسی، آسیب‌های اجتماعی شامل مسائلی مانند طلاق، قتل، حاشیه‌نشینی، اعتیاد، بیکاری و فقر است و مطالعه ریشه‌ها، علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان این نابسامانی‌ها از محورهای آسیب‌شناسی اجتماعی است (ستوده، ۱۳۷۹، ص ۹۲). زمانی که هنجارهای اجتماعی رعایت نشود، اختلال‌ها و رفتارهای آسیب‌زا شکل می‌گیرند و عدم پابندی به این هنجارها موجب پیدایش آسیب اجتماعی می‌شود (افلاکی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۷).

یکی از مهم‌ترین راهکارها برای کاهش آسیب‌های اجتماعی، ایمان و باورهای اعتقادی و عملی است. ایمان با تولید معنا، رفتار کنشگران را جهت‌دهی و بر عملکرد آن‌ها نظارت می‌کند؛ هر چه کیفیت ایمان افراد بالاتر باشد، میزان خودکنترلی آن‌ها افزایش یافته و بروز آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد (اکبری، رحمانی و منوچهری، ۱۳۹۷، ۳-۱۴) ایمان و باورهای دینی انسان را از سایر موجودات متمایز و به کمال انسانی رهنمون می‌کند. هر چه این باورها قوی‌تر باشد، فرد مسئولیت‌پذیری بالاتری خواهد داشت و جامعه‌ای که اعضایش ایمان و باورهای دینی بالایی دارند، کم‌آسیب‌تر خواهد بود.

۴.۴. ایمان و بهبود روابط اجتماعی

انسان، موجودی اجتماعی است و به تنهایی قادر به رفع همه نیازهای خویش نیست. زندگی انسانی باید به شکل یک «شرکت» اجتماعی درآید که در آن همه در وظایف و بهره‌ها سهیم باشند و تقسیم کار میان افراد برقرار شود.. انسان اما موجودی آزاد و مختار است و باید کار خود را آزادانه و به‌عنوان «وظیفه» و «تکلیف» انجام دهد. به عبارت دیگر، غرایز اجتماعی انسان مانند جانداران دیگر جبری نیست، بلکه به شکل تقاضاهایی در باطن او وجود دارد که در سایه تعلیم و تربیت باید پرورش یابند.

زندگی سالم اجتماعی آن است که افراد قوانین، حدود و حقوق یکدیگر را محترم شمارند، عدالت را مقدس بدانند، و به یکدیگر مهر بورزند. هر کس باید آنچه برای خود دوست دارد برای دیگران نیز بخواهد و آنچه برای خود نمی‌پسندد برای دیگران نپسندد. اعتماد و اطمینان متقابل باید ضامن روابط میان افراد باشد و هر فرد خود را متعهد و مسئول اجتماع بداند. در نهان‌ترین کنج‌های وجود، تقوا و عفاف باید بروز کند، تا در ملا عام نیز انسان‌ها بی‌طمع و نیکوکار باشند، در برابر ظلم و ستم بایستند و فرصت ستمگری و فسادگری را از دیگران بگیرند. آنچه بیش از همه حقوق و عدالت را محترم، دل‌ها را مهربان و اعتماد متقابل را برقرار می‌سازد، نفوذ تقوا و عفاف تا عمق وجدان انسان است. این ویژگی‌ها به ارزش‌های اخلاقی اعتبار می‌بخشند، شجاعت مقابله با ستم را ایجاد می‌کنند و افراد را مانند اعضای یک پیکر متحد و پیوسته نگه می‌دارند. این نیرو، همان ایمان مذهبی است که زیربنای روابط اجتماعی سالم و پایدار را تشکیل می‌دهد. (مطهری، ۱۳۵۸، ص ۴۴)

امام صادق(ع) در تبیین جایگاه ایمان در روابط اجتماعی می‌فرماید:

«الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ، عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ، لَا يَخُونُهُ وَ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَغْشُهُ وَ لَا يَعْدُهُ مَوْعِدًا فَيُخْلَفَهُ»؛

مؤمن برادر مؤمن است، چشم و راهنمای اوست؛ به او خیانت نمی‌کند، به او ظلم روا نمی‌دارد، او را فریب

نمی‌دهد و وعده‌ای نمی‌دهد که خلف وعده کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۳۴).

این حدیث نشان می‌دهد که ایمان، اساس اعتماد، صداقت، عدالت و همدلی در روابط اجتماعی است و مؤمن حقیقی در تعامل با دیگران همواره بر پایه اخلاق و تعهد عمل می‌کند.

۵. نقش ایمان در تحقق امنیت معنوی

تعامل ایمان و امنیت در قرآن به‌خوبی نمایان است و بر این حقیقت تأکید می‌شود که سرچشمه اصلی امنیت، امنیت معنوی است؛ و این امنیت جز در سایه ایمان به خدا و تلاش برای کسب رضای الهی محقق نمی‌گردد. در نگاه قرآن، امنیت دنیوی نسبی و گذراست، در حالی که امنیت حقیقی و پایدار در جهان آخرت تحقق می‌یابد. مؤمن اگرچه ممکن است در دنیا با ناامنی‌های ظاهری مواجه شود، اما به پشتوانه ایمان و مدد الهی، قلباً از آرامش

و امنیتی معنوی برخوردار است که ریشه همه امنیت‌ها و آرامش‌هاست. از منظر قرآنی، ظلم و شرک نقطه مقابل ایمان و امنیت هستند.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۸۲ سوره انعام، ظلم را همان شرک و در تضاد با ایمان می‌داند و تصریح می‌کند که امنیت و هدایت تنها برای کسانی است که از همه انواع ظلم به‌ویژه شرک به دور باشند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۳۸۷). بنابراین، امنیت معنوی به‌عنوان زیربنای امنیت‌های دیگر، تنها در پرتو ایمان ناب و خالی از آلودگی به ظلم و شرک تحقق می‌یابد.

۶. نقش ایمان در تحقق امنیت اخروی

در آیه ۸۲ سوره انعام: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ». بر اساس تفسیر المیزان، واژه «الأمن» و «اهتداء» از آثار و خواص ایمان محسوب می‌شوند؛ مشروط بر آنکه ایمان با ظلم، به‌ویژه شرک، آمیخته نشده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۷۸). امنیت مورد نظر در این آیه، بیش از امنیت دنیوی است و به امنیت اخروی اشاره دارد؛ یعنی ایمنی از شقاوت و عذاب مخلّد و برخورداری از هدایت و سعادت پایدار در آخرت. علامه طباطبایی تصریح می‌کند که ایمان خالص، وقتی اثرگذار است که با ظلم پوشانده نشده باشد، و هر چه فرد مؤمن از ظلم و گناهان کبیره فاصله بگیرد، امنیت اخروی او کامل‌تر خواهد بود. هرچند لفظ «الأمن» مطلق آمده، اما قرینه مقام—گفت‌وگوی ابراهیم(ع) با مشرکان—نشان می‌دهد که مراد اصلی، ایمنی از عذاب اخروی و شقاوت ابدی است. بنابراین، آیه شریفی امنیت اخروی را به‌عنوان یکی از نتایج ایمان خالص معرفی می‌کند و تأکید دارد که تحقق این امنیت مشروط به دوری از هرگونه ظلم و آلودگی ایمان است.

نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که آیه ۸۲ سوره انعام با طرح پیوند میان ایمان خالص و امنیت، چارچوبی جامع برای تبیین امنیت در ابعاد فردی، اجتماعی، معنوی و اخروی ارائه می‌کند. بر اساس تفسیر مفسران، ایمان ناب که از آلودگی به ظلم، به‌ویژه شرک، مصون باشد، دو اثر بنیادین دارد: «امنیت» و «هدایت». امنیت در این آیه، صرفاً به معنای ایمنی ظاهری و اجتماعی نیست، بلکه امنیتی فراگیر را در بر می‌گیرد که شامل آرامش روانی، سلامت روابط اجتماعی، امنیت معنوی و ایمنی از عذاب اخروی می‌شود. به بیان دیگر، ایمان خالص زیربنای همه سطوح امنیت است و ظلم، به‌مثابه پرده‌ای، مانع ظهور آثار ایمان می‌شود.

نتیجه اصلی تحقیق آن است که تحقق امنیت پایدار در حیات فردی و اجتماعی تنها در پرتو ایمان ناب امکان‌پذیر است. ایمان پاک از ظلم، آرامش درونی و هدایت الهی را به همراه دارد، اعتماد و عدالت اجتماعی را تقویت می‌کند، از بروز آسیب‌های اجتماعی می‌کاهد و زمینه‌ساز امنیت معنوی و اخروی می‌شود. بنابراین، پاسخ پرسش اصلی تحقیق چنین است: ایمان خالص، ریشه و ضامن امنیت حقیقی و پایدار در ابعاد مختلف زندگی انسان است.

منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه. م. (۱۴۱۶). الخصال. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

افلاکی زارعی. ح؛ سعدی. ز. و رضایی. ع. (۱۳۹۳). آسیب‌های اجتماعی: علل و عوامل. نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی.

اکبری. و؛ رحمانی. ا؛ منوچهری. م (۱۳۹۷). بررسی آسیب‌های اجتماعی و راهکارهای مواجهه با آن از منظر قرآن. پنجمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.

راغب اصفهانی. ح. (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار الشامیة.

رضوی مظاهر. ح. مغیثی نیا. م. (۱۴۰۲). نقش ایمان در تعمیق روابط اجتماعی. تحقیقات سرمایه اجتماعی کشور. دوره اول. شماره اول. زمستان ۱۴۰۲.

ستوده. ه. (۱۳۷۹). آسیب شناسی اجتماعی. تهران. آوای نور.

طباطبایی. م. (۱۳۷۸). المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم. موسوی. م. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی

طبرسی. ف. (۱۴۰۸) مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه.

طبری. م. (۱۴۱۵). تفسیر الطبری من کتابه جامع البیان عن تأویل آی القرآن. بیروت: مؤسسه الرساله.

کلینی. م. (۱۴۰۷) اصول کافی. جلد ۲. تهران. دارالکتب الاسلامیه..

مجلسی. م. (۱۴۰۳). بحار الأنوار: الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مطهری. م (۱۳۵۸). انسان و ایمان ۱. تهران: انتشارات صدرا.

مظفر. م. (۱۴۰۴ق) عقائد الامامیه. قم: مکتبه الداوری.

مکارم شیرازی. ن. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. جلد ۵. تهران. دارالکتب الاسلامیه.

نجاتی. م. (۱۳۶۷). قرآن و روانشناسی ترجمه عباس. عرب. مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس.